

نقدی حقوقی بر ماهیت کنونی جهیزیه در ایران

مریم السادات محقق داماد^۱

چکیده

جهیزیه وسایل موردنیاز برای زندگی است که در ابتدای زندگی، زن یا خانواده وی فراهم می‌کنند. در نهاد جهیزیه ابهاماتی وجود دارد که سبب ایجاد اختلاف در آرای قضایی شده است. علاوه بر این نابرابری آرای قضایی، زمینه بروز درگیری‌های زوجین نیز فراهم شده و به تحکیم خانواده لطمه زده است. روشن‌نبودن ماهیت رابطه حقوقی زن و شوهر درخصوص جهیزیه و معین‌نبودن مسئولیت حقوقی و کیفری شوهر درقبال نقصان یا تلف وسایل در دعاوی مربوط به جهیزیه، از جمله این ابهامات است. هدف تحقیق، شناسایی ماهیت نهاد جهیزیه است که ضمن تحلیل عقد عاریه و اباحه تصرف مشروط، به نتیجه مسئولیت قراردادی زوج در قبال جهیزیه و متعاقباً ضمانت اجرای کیفری خیانت‌درامانت رسیده است. همچنین بر مبنای «قاعده المؤمنون عند شروطهم» نهاد جهیزیه، عقد جدیدی با آثار و شرایط خاص خود دانسته شده است. مقاله حاضر از نوع نظری و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی و با رویکرد فقهی - حقوقی است. جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات حقوقی و فقهی صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها

اباحه تصرف مشروط، جهیزیه، خیانت‌درامانت، عقد عاریه.

استادیار گروه حقوق دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران، تهران، ایران
m.mohaghegh@isu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۳

مقدمه

پیامبر(ص)، جهیزیه حضرت زهرا(س) را از مهریه ایشان که حاصل فروش زر حضرت امیر(ع) بود، تأمین فرمود و این سیره و رفتار پیامبر(ص)، دلیل محکمی بر این امر است که زن و خانواده‌اش هیچ الزامی برای تهیه مهریه از اموال خودشان ندارند(مجلسی، ۱۴۱۰هـ ج ۴۳، ص ۱۲۰).

بی‌شک، جهیزیه‌ای که دختر یا خانواده‌اش آن را تهیه کرده‌اند، ملک دختر است و در ملکیت وی باقی می‌ماند(امامی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۱). پرسش اصلی این است که ماهیت نهاد جهیزیه‌ای که دختر به خانه شوهر می‌برد چیست. به عبارت دیگر، در صورت اختلاف زوجین در اموال جهیزیه، احکام کدام یک از نهادهای حقوقی موجود را می‌توان بر جهیزیه بار کرد؟ عده‌ای با توجه به عدم انطباق نهاد جهیزیه با قرارداد، آن را اباحتاً تصرف مطلق گرفته و برای شوهر هیچ‌گونه مسئولیتی بار نمی‌کنند؛ در مقابل عده‌ای آن را عقد عاریه تلقی می‌کنند و شوهر را امین می‌دانند و در صورت تعدی و تفریط علاوه بر الزام وی به جبران خسارت وی را خائن در امانت می‌دانند و مسئولیت کیفری را هم بر وی بار می‌کنند.

هرچند موضوع جهیزیه در کتب و مقالاتی، از جمله مهریه و جهیزیه در اسلام و ایران، (شفیق، ۱۳۸۹)؛ استرداد جهیزیه(موسسوی مقدم، ۱۳۹۲)؛ اجرت‌المثل و نحله «حقوق مالی زوج»(طالبی، ۱۳۹۷) و «جهیزیه»(توکلی کرمانی، ۱۳۷۶) بیان شده است؛ اما در هیچ منبعی به ماهیت جهیزیه بدین شکل، و مسئولیت زوج در صورت نقصان آن اشاره نشده است؛ از این رو برای ورود به مبحث و از آنجایی که هیچ‌گونه مطلب مدونی در آرای فقها و حقوقدانان مبنی بر شناسایی ماهیت جهیزیه وجود ندارد، با تطبیق نهادهای حقوقی مشابه و شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌ها در خواهیم یافت که آیا جهیزیه می‌تواند در زمره یکی از عقود معین در قانون مدنی قرار گیرد یا خیر.

تهیه و سایل زندگی، بنا به دستور قرآن(نساء، ۳۴)، و کلام فقها(عاملی جبعی، ۱۴۱۰هـ ج ۱۵، ص ۲۲۳؛ همو، ۱۴۱۳هـ ج ۱، ص ۴۳۸)، و آرای حقوقدانان و قوانین و رویه قضایی موجود، از مصادیق نفقه و بر عهده مرد است و هیچ‌گونه تکلیف شرعی و قانونی بر عهده زن برای تهیه این و سایل نیست. سخن این مقاله این است که در زمان حال که عرف، زن را ملزم

به تهیه این وسایل می‌داند، روابط بین زوجین در این امر تابع چه نهاد حقوقی‌ای است که در هنگام بروز اختلافات بتوان عادلانه‌ترین حکم را میان آنها جاری ساخت.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱. جهیزیه

جهیزیه واژه‌ای مأخوذ از عربی به معنی اسباب، رخت، اثاث و چیزهای دیگر است که عروس با خود به خانه داماد می‌برد/عمید، ۱۳۷۵، مدخل جهیزیه). جهیزیه در لغت به معنای اموالی است که زن بنا به رسم، با خود به منزل شوهر می‌برد. در اصطلاح عرب جهیزیه با واژگانی نظیر «مهر المرأة» یا «تجهیز العروس» به کار برده می‌شود. جهیزیه در کتب فقهی نیز با واژه اعفاف آمده است و آن تهیه وسایل زندگی برای فردی است که واجب‌النفقة فرد منفق است؛ آن‌هم به صورت استحباب/هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۵۷ و ۱۵۸؛ ولی درباره احکام جهیزیه، در منابع فقهی به صراحت مطلبی نیامده است.

۲. عقد عاریه

عاریه در لغت عبارت از چیزی است که کسی برای انتفاع موقت از دیگری بگیرد و بعد پس بدهد و یا به معنی آن چیزی است که به شرط برگرداندن، گرفته شود/سجادی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۳۸۷). طبق قانون مدنی، عاریه عقدی جایز است که مالک منافع مالی معین، به دیگری اذن بهره‌برداری مجانی از آن را می‌دهد/جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ص ۴۸۱).

۳. اباحه تصرف

اباحه در لغت به معنای آشکارکردن است/ابن‌منظور، ۱۴۱۴ هـ، ص ۵۳۴) و در اصطلاح مباح کردن چیزی از طرف کسی است که صلاحیت آن را داشته باشد/هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۸).

۴. شرط بنایی و شرط عرفی

شرط در لغت به معنای الزام و التزامی است که در ضمن عقد قرار می‌گیرد (صابریان، ۱۳۹۰، ص ۹۵). در فقه و حقوق به امری که در بیع و دیگر معاملات مقرر می‌شود تا یکی از متعاملین یا هر دو به آن ملتزم باشند، شرط گفته می‌شود (انصاری، طاهری، ص ۱۱۲۸).

یکی از تقسیمات شرط، عبارت است از: شرط صریح، شرط ضمنی. شرط صریح، شرطی است که در عقد منعقد شده است و عقد از آن شرط پیروی می‌کند. شرط ضمنی نیز شرطی است که در عقد منعقد نشده است، ولی عقد از آثار آن پیروی می‌کند که خود به دو قسم است: ۱. شرط ضمنی بنایی: طرفین قبلاً درباره آن صحبت کرده‌اند، ولی آن را در متن عقد منعکس نکرده‌اند؛ ۲. شرط ضمنی عرفی: طرفین پیش از عقد نه درباره آن صحبت کرده‌اند و نه آن را در متن عقد منعکس کرده‌اند (محقق داماد، ۱۳۸۸، ص ۲۷۶-۲۷۷).

۵. خیانت در امانت

خیانت در لغت از ریشه «خ و ن» به معنای بی‌وفایی و جفا و عهدشکنی است. در فقه خیانت عبارت از پایبند نبودن به شرایط و قواعد قانونی و شرعی و توافقی معامله است (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۹۱). خیانت در امانت، از نظر حقوقی عبارت است از اینکه امین، مال امانت‌گذاشته شده را در کاری که منظور صاحب مال نباشد، به کار برد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۷).

جهیزیه، یکی از مصادیق نفقه

در منابع اسلامی و حقوقی فقط به مصادیق جهیزیه پرداخته شده است و این مصادیق بنا بر آنچه در عرف اتفاق می‌افتد، شامل وسایل زندگی و اثاثی است که در زندگی، افراد خانواده به آن احتیاج دارند. نکته دیگر آنکه با بررسی مصادیق جهیزیه در آیات و روایات و کلام فقها/نک: نجفی، ۱۳۶۲، ص ۳۳۰؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۰ هـ ج ۵، ص ۴۶۹؛ حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷، به این نتیجه می‌رسیم که اثاثیه زندگی، یکی از مصادیق نفقه است که در منابع اسلامی وظیفه‌ای برای زن از جهت تأمین این وسایل بیان نشده است و وجوب نفقه هم بر عهده مرد است؛

بنابراین، زن مسئولیتی در قبال تهیه جهیزیه ندارد و اگر وسایلی را تهیه می‌کند، از باب معاونت در زندگی است.

عرفی بودن تهیه جهیزیه از طرف زوجه

معمولاً در زمان‌های مختلف و در میان قوم‌ها و به‌ویژه ملت‌های شرقی رسم این است که جهیزیه را زن تهیه کند/نک: سبیرت، ۱۳۸۰). سیره معصومین (ع) نیز دال بر همین امر است، چنانچه در تهیه جهیزیه حضرت زهرا (س)، پیامبر اکرم (ص) جهیزیه را از دارایی شخصی حضرت فاطمه (س) تأمین فرمود، همان دارایی ایشان که تحت عنوان مهریه از داماد گرفته شده بود (حسینی فیروزآبادی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۰۴). در صورتی که جهیزیه با مهریه زن تهیه شود، در این صورت جهیزیه با حلال‌ترین مال یعنی مهریه تأمین شده است و علاوه بر آن هزینه جدیدی بر گردن مرد بار نشده و مهریه نیز نقداً در ابتدای زندگی پرداخت شده است و مرد نیز دینی را که بر گردنش است، در همان ابتدای زندگی پرداخته است، چراکه طبق نظر فقها مهریه دینی است بر گردن مرد که هرگاه زن بخواهد مرد موظف است که آن را پرداخت کند؛ زیرا با انعقاد عقد، مهریه به ملکیت زن درمی‌آید (عاملی جبعی، ۱۴۱۰ هـ، ص ۱۸۴).

منظور از عرف و عادت چیست؟

فقیهان و حقوقدانان تعریف‌های گوناگونی از عرف با همین عنوان یا عناوینی چون «عادت»، «بنای عقلا»، «سیره» بیان کرده‌اند؛ از جمله:

۱. عادت و عرف امری است که از ناحیه عقل در جان انسان جای می‌گیرد و طبع سالم و غیرآلوده به شهوات، آن را می‌پذیرد (اسماعیلی و توکل‌کیا، ۱۳۹۰، ش ۲، ص ۱۶۷).
 ۲. عرف، عادت عموم یا گروه خاصی از مردم است که طبق آن زندگی می‌کنند. این عادت می‌تواند به شکل گفتار و کردار یا ترک کردار باشد (علیدوست، ۱۳۸۸، ص ۵۰).
 ۳. طریقه عقلا (عرف عام)، عبارت است از استمرار عمل عقلا از آن جهت که عاقلانند بر چیزی که از آن به «بناء عرف» تعبیر می‌شود (نائینی، ۱۴۲۹ هـ ج ۳، ص ۱۹۲-۱۹۳).
- توجه به این نکته بسیار مهم است که جایگاه شرط بنایی و تفکیک آن از شرط ضمنی

عرفی امر لازمی است؛ زیرا در شرط بنایی، شرط معهود بین طرفین در یک عقد خا صی است، اما شرط ضمنی عرفی در همه معاملات متعارف است، اگرچه معهود بین طرفین هم نباشد(محقق داماد، ۱۳۸۱، ص ۲۷۸).

انواع اباحه تصرف

اباحه انواع مختلف دارد که عبارت است از:

۱. **اباحه مطلق:** مقصود از اباحه مطلق آن است که به واسطه آن هر نوع تصرفی، حتی تصرفات متوقف بر ملک، جایز است(حاتمی زاده، ۱۳۹۱، ص ۶).
۲. **اباحه معوض:** اذن و اباحه ای که از سوی مالک اعتبار می شود، می تواند با هدف دست یافتن به عوض باشد که به آن اباحه معوضه گفته می شود(حاتمی زاده، ۱۳۹۱، ص ۷)؛ که این اباحه خود دارای دو قسم است:

۱-۲. **اباحه معوض به عوض:** نظیر آنچه در بالا به آن اشاره شد

- ۲-۲. **اباحه معوض به یک شرط:** منظور از اباحه معوض به شرط این است که مالک مال خود را برای دیگری میباح می کند، ولی نه به صورت مطلق بلکه این میباح کردن به همراه یک شرط است؛ به عبارت دیگر مالک مال خود را به شرطی که وی این شرایط را رعایت کند، برایش میباح می کند. این شرط می تواند صریح یا ضمنی به صورت ضمنی بنایی یا ضمنی عرفی باشد(انصاری، ۱۴۱۵هـ ج ۳، ص ۸۹-۹۰؛ توحیدی، ۱۳۴۰، ص ۱۸۹-۱۹۱؛ روحانی، بی تا، ج ۱۵، ص ۲۹۶-۲۹۹).

بررسی مشابهت های تجهیزیه با برخی عقود معین

۱. مقایسه عقد شرکت با نهاد تجهیزیه

تجهیزیه با عقد شرکت شباهت هایی دارد؛ از جمله: تصرف در کل مال، فقط با اذن شریک خود(عاملی جبعی، ۱۴۱۰هـ ص ۱۹۸؛ نجفی، ۱۳۶۲، ص ۲۹۹)، شراکت بر روی عین اموال(همو، ۱۴۱۰هـ ص ۱۴۳؛ همو، ص ۲۹۹، ۲۹۰-۲۹۴؛ طباطبایی، بی تا، ص ۲۴۶)، امین بودن شریک در هر دو نهاد

در صورت داشتن اذن شریک دیگر، جایز بودن رجوع در هر دو مورد/عاملی جبعی، ۱۴۱۰هـ ج ۴، ص ۲۰۲، ۲۰۳؛ نجفی، ۱۳۶۲، ص ۳۰۷؛ امامی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۵؛ حائری شاه باغ، ۱۳۷۶، ص ۳۲۹؛ ولی با این همه، تفاوت‌های اساسی‌ای نیز با هم دارند که نمی‌شود جهیزیه را همان شرکت دانست؛ از جمله اینکه شرکت با مرگ هریک از شرکا پایان می‌پذیرد، ولی در جهیزیه با مرگ زن تا وقتی وراثت زن اموال را طلب نکنند، مرد وظیفه‌ای در قبال پس دادن اموال ندارد.^۱

۲. مقایسه عقد ودیعه با نهاد جهیزیه

عقد ودیعه با جهیزیه شباهت‌هایی دارد؛ از جمله: مباح بودن تصرف منوط به اذن صاحب مال، رایگان بودن هر دو نهاد، ضامن نبودن امین و یا زوج در صورتی که نتواند از تلف مال جلوگیری کند و در به وجود آمدن خطر نیز نقشی نداشته باشد^۲، اما با وجود این شباهت‌ها تفاوت بسیار مهمی بین ودیعه و جهیزیه وجود دارد که نمی‌توان هر دو آنها را در یک گروه دانست و آن این است که هدف از ودیعه، نیابت دادن به غیر برای حفظ مال و حراست از آن است، ولی در جهیزیه شوهر حافظ اموال نیست، بلکه به وی اذن داده شده است که از این اموال استفاده کند/عاملی جبعی، ۱۴۱۰هـ ص ۲۲۹؛ نجفی، ۱۳۶۲، ص ۱۴۷).

۱. احکام ارث، مسئله ۷۸۵: استفتاء از آیت الله نوری همدانی: در صورت فوت زن، شوهر نیز یکی از ورثه محسوب می‌شود. استفتاء از آیت الله خامنه‌ای: اگر زن فوت شد جهیزیه زن به ورثه وی می‌رسد و باید طبق قانون ارث بین ورثه‌اش تقسیم شود و اگر زن محجور از تصرف شد، مثلاً دیوانه شد فقط با اذن ولی شرعی وی مثل حاکم شرع می‌توانند تصرف کنند.

۲. استفتاء از آیت الله علوی گرگانی: اگر مرد اثاثی را که زن برای زندگی مشترک فراهم کرده است، از بین ببرد، آیا زن حق دریافت خسارت را از مرد دارد؟ پاسخ: اگر مرد قصد عمدی در از بین بردن آن نداشته باشد، زن حق دریافت خسارت را ندارد.

۳. مقایسه بین عقد عاریه و جهیزیه

رایگان بودن هر دو نهاد^۱، مباح شدن تصرف در مال با اذن مالک در هر دو مورد^۲، اعطا حق انتفاع به غیر مالک از جانب مالک^۳، هم‌چنین در عقد عاریه، در صورتی که در اثر مصرف عین فرسوده یا مستهلک شده باشد، مستعیر وظیفه‌ای برای جبران این استهلاک ندارد/ ماده ۷۶۱ ق.م.؛ در جهیزیه نیز مرد مسئولیتی در قبال فرسودگی ناشی از استفاده اموال در طول زمان ندارد^۴، در عاریه مستعیر نمی‌تواند بدون اذن معیر، مال را به تصرف غیر دهد؛ در جهیزیه نیز چون مرد تنها اذن در انتفاع دارد؛ بنابراین، نمی‌تواند آن را به تصرف غیر دهد و در صورتی که این کار را بکند، ضامن است^۵ (عاملی جبعی، ۱۴۱۰هـ. ص ۲۶۶؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۴۹). در عقد عاریه، مستعیر چون امین است، تنها در صورتی ضامن نقص یا تلف عین

۱. استفتاء از آیت‌الله خامنه‌ای: اگر زن فوت کند، جهیزیه زن به ورثه او می‌رسد و باید طبق قانون ارث بین ورثه‌اش تقسیم شود و اگر زن محجور از تصرف شود، مثلاً دیوانه شود، فقط با اذن ولی شرعی او، مثل حاکم شرع، می‌تواند [در جهیزیه او] تصرف کنند.

۲. استفتاء از آیت‌الله نوری همدانی: آیا شوهر می‌تواند بدون اذن زن جهیزیه را به تصرف غیر دهد و یا نزد دیگری به عاریه یا ودیعه بسپارد؟ در صورت منع از این کار، مرد چه مسئولیتی در قبال این عمل دارد؟ پاسخ: باید با اذن صاحبش باشد. استفتاء از آیت‌الله خامنه‌ای: در صورتی که جهیزیه‌ای باشد که یا خود زن تهیه کرده و یا پدرش به وی بخشیده است، شوهر حق تصرف در آنها را بدون اذن وی ندارد و اگر تصرف کند، ضامن است.

۳. استفتاء از آیت‌الله مکارم شیرازی: مرد با توجه به اجازه‌ای که زن به او داده است، اباحه در تصرف دارد؛ بنابراین، اگر در اثر کوتاهی خسارتی وارد شود، باید آن را جبران کند. استفتاء از آیت‌الله سیستانی: در جهیزیه آیا مرد وظیفه‌ای به نگهداری و نگهداری از اموال دارد و یا اینکه تنها وظیفه او استفاده متعارف مجانی از اموال است؟ پاسخ: استفاده او باید با رضایت زن باشد. استفتاء از آیت‌الله خامنه‌ای: شوهر وظیفه‌ای نسبت به نگهداری و نگهداری از اموال زن ندارد و استفاده از جهیزیه منوط به اجازه زن است.

۴. استفتاء از آیت‌الله مکارم شیرازی: آنچه را در زندگی مصرف شده است، نمی‌تواند مطالبه کند، مگر اینکه قبلاً شرط شده باشد. استفتاء از آیت نوری همدانی: این مسائل عرفی و برحسب رضایت و توافق طرفین است.

۵. استفتاء از آیت‌الله خامنه‌ای: مذکور در صفحات پیشین.

است که تعدی یا تفریط کرده باشد؛ این مسئله در جهیزیه نیز کاملاً وجود دارد (عاملی جبعی، ۱۴۱۳ هـ ص ۱۵۳؛ ابن منذر، ۱۴۲۵ هـ ص ۲۷۰؛ طوسی، ۱۳۸۷ هـ ص ۴؛ ابن قدامه، ۱۴۱۷ هـ ص ۳۵۵؛ امامی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۹)^۱، اما در عین شباهت‌های فراوانی که وجود دارد، ممکن است دو تفاوت در بدو امر به ذهن آید:

۱. عین مورد عاریه حتماً باید قابلیت بقا داشته باشد (همو، ص ۲۵۸؛ همو، ۱۴۱۳ هـ ص ۱۴۳؛ حائری شاه باغ، ۱۳۷۶، ص ۴۵۱؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۴۳؛ امامی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۱-۱۸۲) تا بتوان آن را به عاریه داد؛ در حالی که در جهیزیه اموالی وجود دارد که مصرف‌شدنی است و زن آنها را در اختیار مرد قرار می‌دهد؛ مانند خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها.

۲. عاریه از آنجایی که عقد است نیاز به ایجاب و قبول دارد، ولی در جهیزیه این ایجاب و قبول به شکلی که در عقود متداول است، اتفاق نمی‌افتد. با دقت نظر متوجه می‌شویم که این موارد اختلافی ظاهری است و با این استدلالات می‌توان آنها را حل کرد:

الف. جهیزیه را امری مرکب در نظر می‌گیریم که متشکل از دو قسمت است: ۱. اموالی که در صورت مصرف قابلیت بقا داشته باشند که این اموال در زمره عاریه قرار می‌گیرند؛ ۲. اموالی که مصرف می‌شوند. این اموال نیز زیرمجموعه هبه غیر معوض قرار داده می‌شوند، به این صورت که زن این اموال را به مرد یا هرکس دیگری که آن را استفاده می‌کند، هبه غیر معوض کرده است.^۲

۱. استفتاء از آیت‌الله خامنه‌ای: اگر اثاثی که زن برای زندگی مشترک فراهم کرده است، مرد از بین ببرد، آیا زن حق دریافت خسارت را از مرد دارد. پاسخ: در فرض سؤال حق دریافت خسارت را دارد. استفتاء از آیت‌الله مکارم: اگر اثاثی که توسط زن برای زندگی مشترک فراهم شده است، توسط مرد از بین رود، آیا زن حق دریافت خسارت را از مرد دارد؟ پاسخ: هر کس خواه شوهر یا دیگری آن را از بین ببرد، ضامن است، هر چند در اینگونه موارد خوب است زن و شوهر با هم مصالحه کنند. استفتاء از آقای علوی گرگانی: اگر مرد قصد عمدی در از بین بردن آن نداشته باشد زن حق دریافت خسارت را ندارد.

۲. در عالم حدث نیز قراردادهایی دیده می‌شوند که با یک انشا، دو اراده جداگانه از آنها می‌شود که به آنها قراردادهای مرکب گفته می‌شود (نک: کاتوزیان، بی‌تا، ج ۱، ص ۳).

البته عرفی در میان بعضی از افراد وجود دارد که بنا بر آن، اثاث جهیزیه را فقط شامل اموال قابل بقا می‌دانند، به این معنا که آنچه با مصرف شدن از بین می‌رود، مانند خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، اصلاً جزء جهیزیه حساب نمی‌شود و جهیزیه ظهور در اسباب و وسایل زندگی دارد؛ بنابراین دیدگاه، دیگر احتیاجی به بیان عقد مرکب و تقسیم‌بندی وسایل جهیزیه به عاریه و هبه نیست.

ب. در عاریه، قانون‌گذار درباره نحوه قبول که حتماً باید لفظی باشد یا فعل هم از آن کفایت می‌کند ساکت است؛ در صورتی که در بعضی از عقود به صراحت صحت عقد را موکول بر این می‌کند که قبول به لفظ آن هم، به لفظ خاصی صورت گیرد؛ از جمله در بیع و نکاح و در برخی دیگر از عقود، صریحاً به این مطلب اشاره می‌کند که قبول می‌تواند با فعل اتفاق بیفتد، مانند عقد وکالت و ودیعه. همچنین حقوق‌دانان معتقدند ایجاب و قبول ممکن است به موجب الفاظ و اشاره و عمل و نوشته باشد (صفایی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۶۴).

پس این چنین می‌توان نتیجه گرفت که قبول با فعل نیز در قانون مدنی پذیرفته شده است و از آنجایی که درباره قبول در عاریه قانون‌گذار هیچ سخنی نیاورده است و تکلیف خاصی را بر طرفین بار نکرده است؛ در صورتی که در بعضی از عقود از جمله نکاح و بیع به صراحت تأکید می‌کند که صحت عقد دال بر قبول با لفظ خاص است و از سمت دیگر می‌دانیم که شارع و قانون‌گذار از عقلا است و اگر تکلیفی را بر فرد بداند حتماً آن را بیان می‌کند، و نه فقها و نه حقوق‌دانان و نه قوانین موضوعه شرط قبول لفظی را برای عاریه نیاورده‌اند. از کنار هم قراردادن این گزاره‌ها می‌فهمیم که قبول فعلی نیز در عاریه کفایت می‌کند. همچنین همان عرفی که امروزه به صورت شرط ضمنی عرفی زن را مسئول تهیه جهیزیه می‌داند؛ مگر آنکه وی یا خانواده‌اش در ضمن عقد آن را ذکر کنند، همین عرف بیان می‌کند زن اثاثیه را به منزلی می‌آورد که شوهر آن را تهیه کرده است و شوهر هم این اثاثیه را در منزل می‌پذیرد و با توجه به آنچه در عرف جامعه اتفاق می‌افتد و نظر به اینکه در همین عرف میان مردم، سپردن در حوزه توافق طرفین فهمیده می‌شود؛ بنابراین، می‌توان قبول را از همین آوردن و قبول کردن وسایل در خانه استنباط کرد، علاوه بر این وجود سیاهه در جهیزیه نیز می‌تواند دال بر قبول شوهر باشد.

جهیزیه را از نظر به همراه داشتن سیاهه یا نداشتن آن، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف: سیاهه در جهیزیه تهیه نشده است یا به امضای شوهر نرسیده است.

ب: سیاهه به امضای شوهر رسیده است. زمانی که سیاهه به امضای شوهر رسیده باشد، این سیاهه فوایدی دارد، از جمله: در صورت مطالبه زوجه، شوهر مسئول استرداد کلیه اموالی است که در ذیل سیاهه جهیزیه امضا کرده و امضای شوهر نزد محاکم معتبر است به شرطی که در زمان مطالبه عین اموال موجود باشد و در صورتی که شوهر عمداً موجب تخریب اموال زوجه شود، در صورت اثبات این امر، علاوه بر مسئولیت کیفری باید مثل آن مال یا قیمت آن را به زوجه بدهد.

بنا بر استدلال فوق می‌توان گفت: این دو نهاد در موارد زیادی نظیر آنچه به آن اشاره شد، دارای شباهت‌اند. به‌خصوص اینکه در هر دو آنها، مالک اجازه می‌دهد که دیگری از اموالش به‌رایگان استفاده کند؛ یعنی هر دو نهاد دارای جنسی یکسان‌اند.

در صورتی که قبول فعلی را در عاریه بپذیریم و قائل شویم که در عرف مردم، پذیرفتن این اموال در منزل، به‌منزله قبول آنها است و همچنین قائل به عقد مرکب شویم، نمی‌توان جهیزیه را عاریه ندانست.

مقایسه حق انتفاع با جهیزیه

حق انتفاع حقی است که به‌موجب آن، فرد از عینی که متعلق به دیگری است یا مالک خاصی ندارد، استفاده می‌کند؛ در جهیزیه نیز مرد از عینی که متعلق به زن است استفاده می‌کند.^۱ صاحب حق انتفاع حق انتقال به ثالث را ندارد، در جهیزیه نیز مرد نمی‌تواند بدون اذن زن این اموال را به دیگران دهد، چه حق انتفاعش را چه به‌عنوان عاریه یا ودیعه یا قرض.^۲ البته

۱. این امر کاملاً در عالم خارج اتفاق می‌افتد که پس از تهیه جهیزیه، مرد از اموالی که متعلق به زن است، استفاده می‌کند.

۲. استفتاء از آیت‌الله خامنه‌ای: مذکور در صفحات پیشین.

در عین این تشابه‌ها، تفاوت‌هایی وجود دارد؛ از جمله آنکه: حق انتفاع با حجر مالک بنا بر قول مشهور فقها و حقوقدانان باقی می‌ماند، اما در جهیزیه بنا بر فتاوی فقها پس از مرگ زن اموال ماترک باید بین وراثت زن به مقدار سهم الارثشان تقسیم شود و پس از حجر زن نیز مرد تنها در صورتی می‌تواند به تصرفات خود در جهیزیه ادامه دهد که از قائم‌مقام زن اجازه این تصرفات را داشته باشد؛^۱ بنابراین با فوت یا حجر حق استفاده از جهیزیه از بین می‌رود و برای استمرار استفاده از آن اذن صاحبان حق یا نماینده قانونی وی لازم است. در حق انتفاع ملکیت برای مالک باقی است و منافع به منتفع انتقال داده می‌شود و مالک دیگر حقی را در استفاده از آن منافع ندارد، به خصوص انتفاعی که مانع برای انتفاع صاحب حق شود، در جهیزیه نیز بقای ملکیت برای زن وجود دارد و مرد حق استفاده از منافع را پیدا می‌کند نه اینکه منافع به او منتقل شود، بر همین اساس است که زن و شوهر باهم می‌توانند در اثاثیه تصرف کنند و از آن انتفاع برند. در انتفاع قبض شرط صحت است؛ ولی در جهیزیه قبضی به‌عنوان شرط صحت وجود ندارد. با وجود این تفاوت‌ها نمی‌توان جهیزیه را همان حق انتفاع دانست.

مقایسه بین اباحه تصرف و جهیزیه

اباحه با توجه به عوض آن به دودسته تقسیم می‌شود:

۱. اباحه به اعتبار عوض، یا مجانی است؛ مانند انواع اباحه شرعی و یا معوضه است؛ مانند اباحه چیزی به شرط.
۲. اباحه به اعتبار متعلق آن، عبارت است از: اباحه تملک، مانند اذن شارع به تملک مباحات عمومی (حیازت)؛ اباحه تصرف، مانند اذن شارع به تصرف در منافع عمومی

۱. استفتاء از آیت‌الله خامنه‌ای: اگر زن فوت کرد جهیزیه زن به ورثه وی می‌رسد و باید طبق قانون ارث بین ورثه‌اش تقسیم شود و اگر زن محجور از تصرف شود، مثلاً دیوانه شود فقط با اذن ولی شرعی وی مثل حاکم شرع می‌توانند تصرف کنند. استفتاء از آیت‌الله نوری همدانی: در صورت فوت زن، شوهر نیز یکی از ورثه محسوب می‌شود و به اندازه سهامش از ارث، مالک می‌شود.

همچون مساجد و موقوفه‌های عام؛ اباحه عین مانند هبه؛ اباحه منفعت مانند اجاره؛ اباحه انتفاع مانند عاریه (هاشمی شامرویی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۰).

اباحه تصرف یا اذن در انتفاع، ایقاع است؛ بنابراین فقط نیاز به یکطرف یعنی مالک و ایجاب دارد و قبول و اراده مأذون در آن نقشی ندارد. در جهیزیه هم به نظر می‌رسد که اراده مرد در تحقق آن نقش خاصی نداشته باشد. اباحه تصرف یا اذن در انتفاع نیاز به انشاء دارد. در جهیزیه نیز این انشا می‌تواند همان اراده زن بر آوردن وسایل و قراردادن آن در منزل شوهرش باشد. اذن نیز یک عمل حقوقی است، ولی برخلاف اصل اعمال حقوقی عملی جایز است و اذن‌دهنده می‌تواند هرگاه که خواست^۱ درخواست استرداد اموال خود را بکند. مأذون نمی‌تواند به دیگری اذن دهد که از آن حق استفاده کند، در جهیزیه نیز مرد این حق را ندارد که بدون اذن زن جهیزیه وی را به تصرف غیر دهد^۲. علاوه بر این اذن در انتفاع می‌تواند هم در اعیان مصرف‌شدنی و هم در قابل‌بقا جاری شود؛ همان‌طور که بر مرد مباح است از اموال مصرف‌شدنی و قابل‌بقای جهیزیه انتفاع برد. برای صحت اذن در انتفاع لازم نیست که قبضی صورت گیرد، چنانکه در جهیزیه هم چنین چیزی وجود ندارد^۳.

اباحه تصرف مطلق، اباحه‌ای است که فرد اذن در انتفاع مالش را به غیر می‌دهد، بدون اینکه شرطی برای وی بگذارد یا در مقابل این انتفاع وی چیزی را از وی دریافت کند؛ اما گاه اباحه به صورت معوض است، به این معنا که وی حق استفاده و انتفاع از مالش را به وسیله

۱. استفتاء از آیت‌الله نوری همدانی: جهیزیه‌ای که ملک زن است و زن از اموال خود آن را تهیه کرده است، آیا از نظر شرعی مختار است که هرگاه خواست آنها را بفروشد یا از منزل خارج کند یا به دیگری قرض دهد؛ یا اینکه برای این کارها نیاز به اذن شوهر یا رأی دادگاه دارد؟ پاسخ: اختیار آن با خودش است. پاسخ همین استفتاء از آیت‌الله علوی گرگانی: گرفتن اجازه شوهر بالخصوص واجب نیست، اما اگر شوهر نهی از این کار زن کند و یا جهیزیه عملاً در خانه مورد استفاده عموم اهل خانواده است و عملاً بداند شوهر راضی نیست، نباید بدون اجازه تصرف شود.

۲. استفتاء از آیت‌الله خامنه‌ای: مذکور در صفحات پیشین.

۳. آنچه در عرف اتفاق می‌افتد، این است که مرد خانه‌ای را برای آوردن وسایل و زندگی آماده می‌کند و زن هم وسایلیش را به خانه می‌آورد.

یک شرط در ضمن آن یا دریافت عوضی در برابر آن، به غیر می‌دهد. بسیاری از فقها قائل به صحت ماهیت اباحه معوض هستند و آن را لازم‌الوفا بین طرفین می‌دانند/نصاری، ۱۴۱۵هـ ج ۳، ص ۹۰-۸۹؛ توحیدی، ۱۳۴۰، ج ۲، ص ۱۸۹-۱۹۱؛ روحانی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۲۹۶-۲۹۹.

در باره جهیزیه، زن به شوهر اذن می‌دهد تا از منافع اموال استفاده کند؛ یعنی برایش مباح می‌کند که از این اموال استفاده کند، اما این اباحه به صورت مطلق نیست که مرد به هر نحو که خواست از این اموال استفاده کند، بلکه مشروط است به شروطی.

اباحه تصرف در جهیزیه مشروط است به شروطی که این شروط را عرف و عقل نیز تأیید می‌کند. این شرط عبارت است از اینکه زن این وسایل را تهیه می‌کند و آن را در اختیار مرد نیز قرار می‌دهد تا استفاده کند، اما در مقابل هم، مرد دارای وظایفی است، از جمله اینکه اولاً زن این اموال را به مرد می‌سپارد و نتیجه سپردن این است که مرد موظف است به صورت متعارف از این اموال استفاده کند و جانب احتیاط را برای حفظ سلامت این اموال رعایت کند، همچنین مرد نمی‌تواند هرگاه که خواست، درخواست خارج کردن این وسایل را از منزل دهد.

همان عرفی که امروزه تهیه جهیزیه را بر عهده زن و خانواده‌اش می‌داند، مرد را در قبال این اموال مسئول می‌شمارد. طبق این عرف، مرد مختار نیست که هرگونه می‌خواهد از این اموال استفاده کند یا هرگاه که اراده کرد، زن را ملزم به خروج وسایل از منزل کند. طبق آنچه در مطالب پیشین گفته شد، شرط عرفی مانند شرط ضمنی برای طرفین لازم‌الاجرا است. این مطالب مؤید این نظر است که مرد به صورت مشروط برایش مباح است که از این اموال استفاده کند.

شرط سپرده شدن اموال به شوهر و اینکه وی در استفاده خود ملزم به حفظ سلامت وسایل باشد، مطابق با قواعد فقهی از جمله قاعده لا ضرر است. طبق این قاعده نمی‌توان هرگونه استفاده آزادانه و بدون قید و شرط را برای مرد متصور شد. همچنین بر مبنای قاعده لا حرج، شوهر نمی‌تواند به گونه‌ای اقدام کند که با از بین بردن وسایل زن سبب سختی و حرج وی شود. سیره عقلا هم نمی‌پذیرد که فردی وسایل خود را در اختیار کسی قرار دهد و طرف مقابل هرگونه که خواست و بدون رعایت اصول برای بقای سلامت اموال، از آنها استفاده کند.

شرط سپردن اموال به شوهر مطابق با اصول حاکم بر خانواده است؛ زیرا این امر که مرد به هر نحوی که خواست از وسایل استفاده کند، یا هر زمان که اراده کرد بتواند وسایل را از خانه خارج کند، این امور کاملاً با مبنای تحکیم خانواده و حسن معاشرتی که اسلام و خانواده بر آن تأکید دارد، کاملاً ناسازگار است. پسندیده نیست که فردی از روی تبرع و احسان و برای معاضدت در امور خانواده اموالش را در اختیار دیگری قرار دهد و دیگری هر طور که خواست از آن اموال استفاده کند.

با توجه به مطالب فوق می‌توان این نتیجه را گرفت که جهیزیه می‌تواند اباحه تصرف مالکانه از نوع مشروط به شرط سپردن و استفاده متعارف از آن باشد؛ زیرا اگر بپذیریم که جهیزیه اباحه تصرف صرف است تالی فاسدهایی را در پی دارد که هم از نظر شرع و هم از نظر عقل مردود و قبیح است.

تعیین ماهیت نهاد جهیزیه

درباره ماهیت نهاد جهیزیه، آرای مختلفی وجود دارد؛ از جمله:

۱. ماهیت جهیزیه، عقد عاریه است، به این شرط که بنا به استدلال‌های یادشده، آوردن این اموال به منزل شوهر و پذیرفتن این وسایل از جانب مرد اولاً قبول عملی مفروض شود و ثانیاً قبول عملی در عقد عاریه پذیرفته شود. هم‌چنین برای اموال مصرف‌شدنی در جهیزیه، قائل به هبه اموال از جانب زن به شوهر شود و در حقیقت جهیزیه را عقدی مرکب دانسته، با این تفسیر که اموال مصرف‌نشده آن شامل عاریه و مصرف‌شدنی آن هبه باشد. یا این نظریه را مطرح شود که جهیزیه ظهور در اثاثیه دارد و اثاثیه فقط شامل اموالی است که با استفاده از آن کماکان باقی می‌مانند.

۲. اباحه تصرف مشروط به شرط سپرده‌شدن این اموال نزد شوهر و اینکه شوهر در استفاده از اموال جانب احتیاط را رعایت کند. هم‌چنین شوهر متعهد باشد که تا پایان زندگی زناشویی، زن را ملزم به خروج این وسایل از منزل مشترک نکند.

۳. شناسایی عقد معین جدیدی بانام جهیزیه.

از آنچه تاکنون گفته شد، به دست آمد که قدر متیقن بین زوجین قراردادی درخصوص جهیزیه منعقد می‌شود؛ حال یا در قالب عقود معین قانون مدنی (عاریه) یا اباحه تصرف مشروط و یا در قالب عقود غیر معین که طرفین با رعایت ماده ۱۰ قانون مدنی می‌توانند بین خود آن را به وجود بیاورند، عقدی که طرفین در آن شرط می‌کنند که زن این اموال را به منزل شوهر می‌آورد با این شرط که این اموال را به مرد می‌سپارد، ولی مرد حق ندارد هرگونه که خواست از این اموال استفاده کند یا هرگاه که اراده کرد زن را ملزم به خارج کردن این وسایل از منزل کند و در مقابل زن هم حق ندارد تا پایان زندگی زناشویی هرگاه که اراده کرد بدون هیچ دلیلی وسایل خود را مطالبه کند و مرد و خانواده‌اش را از تصرف در این وسایل منع بکند و از جهیزیه‌اش به‌عنوان اهرم فشاری بر مرد بهره‌برداری کند.

به نظر می‌رسد در طول زمان، عرف توانسته است عقدی در مورد جهیزیه تعریف کند که احکام و آثار مخصوص به خودش را دارد و در نتیجه قانون مدنی می‌تواند برای یکپارچگی و عدم صدور آرای متناقض احکام و آثار آن را به رشته تحریر در بیاورد که مشروعیت خود را همان‌طور که در پیش گفته شد از ماده ۱۰ قانون مدنی و قاعده شرط مشروط اخذ می‌کند؛ پس می‌توان درباره جهیزیه گفت: جهیزیه قراردادی است که بین زوجین براساس ماده ۱۰ منعقد می‌شود، دال بر اینکه زن وسایلی را تهیه کند و برای استفاده، آن را در اختیار خانواده قرار دهد. همچنین این شروط را ضمن این عقد جدید قرار می‌دهند و این شروط برایشان لازم الوفا است. از جمله این شروط، سپردن اموال جهیزیه به زوج است.^۱

مسئولیت کیفری شوهر در قبال خسارات وارد شده بر جهیزیه

با بررسی رأی دادگاه‌ها به این مطلب دست پیدا می‌کنیم که به دلیل ابهام ماهیت جهیزیه در منابع فقهی و حقوقی، عده‌ای از قضات آن را اباحه تصرف مطلق می‌گیرند و هیچ مسئولیت

۱. برای تحلیل این عقد مجال دیگری لازم است.

کیفری را بر شوهر بار نمی‌کنند؛ درمقابل عده‌ای نیز جهیزیه را عاریه، و شوهر را امین می‌دانند و در صورت تفریط، وی را خائن در امانت می‌شمارند و وی را محکوم به جرم خیانت در امانت می‌کنند.

۱. موافقان ضمانت اجرای جرم خیانت در امانت

کسانی که معتقدند جهیزیه عاریه است و شوهر در صورت کوتاهی محکوم به جرم خیانت می‌شود، به این دلایل استناد کرده‌اند:

۱. خیانت در امانت شامل هر رابطه حقوقی‌ای است که بین افراد به وجود می‌آید، خواه از جمله چهارعقدی باشد که ماده ۶۷۴ ق.م.ا به آن اشاره کرده یا عقود معین دیگری که قانون مدنی به آن اشاره کرده است یا هر عقدی که طبق ماده ۱۰ ق.م.صحت داشته باشد و طرفین بتوانند بدان استناد کنند و آنچه در ماده ۶۷۴ ق.م.ا آمده است تنها از باب مصادیق است و این رابطه از هر راه مشروعی که به وجود آمده باشد، محترم است. همچنین با توجه به آنچه در فصل دوم از بخش دوم به اثبات رسید، خاصیت جهیزیه این است که با اذن زن، مرد حق اباحه تصرف البته اباحه به صورت معوض در اموال را پیدا می‌کند و امین است؛ پس اتلاف و نقصانی را که به اموال وارد می‌شود، می‌توان خیانت در امانت دانست.
۲. شرط بازپس‌گیری و به استفاده معین رساندن^۱ گویا به صورت بنایی در آن وجود دارد؛ زیرا طبق فتاوی فقها زن هرگاه که بخواهد می‌تواند اموال را پس بگیرد^۲ و هم چنین مرد تنها با اذن زن و فقط در حد متعارف می‌تواند از این اموال استفاده کند^۳ (برای شرط به استفاده معین رساندن).

-
۱. همین که مرد در استفاده خود از وسایل باید جانب احتیاط را برای حفظ سلامت اموال رعایت کند و این شرط عرفی وجود دارد که هرگونه که بخواهد مجاز نیست که از این وسایل استفاده کند و بنابر فتاوی فقها وی نمی‌تواند این اموال را بدون اذن زن از منزل خارج کند؛ اینها همه گویای این مطلب است که گویا شرط به استفاده معین رساندن اموال جهیزیه نیز فی‌مابین زوجین، صورت گرفته است.
 ۲. استفتاء از آیت‌الله نوری همدانی در قسمت اباحه تصرف ذکر شده است.
 ۳. استفتاء آیت‌الله خامنه‌ای در قسمت اباحه تصرف ذکر شده است.

۳. در ماده ۶۷۴ ق. م. ا. عبارت اموال به «کسی داده شده باشد» وجود دارد و همین‌که زن جهیزیه خود را به منزل شوهر می‌آورد و شوهر آن را می‌پذیرد، به این معنا است که این اموال به وی داده شده است.

۲. مخالفان ضمانت اجرای جرم خیانت در امانت

در مقابل دلایلی که ذکر شد، عده‌ای در مخالفت با ضمانت اجرا دلایل زیر را مطرح کرده‌اند:

۱. خیانت در امانت فقط زمانی رخ می‌دهد که رابطه حقوقی سپردن براساس یکی از عقود معین به وجود بیاید و این عقود همان‌هایی هستند که ماده ۶۷۴ ق.م.ا. به آنها اشاره کرده است. طبق نص این ماده^۱ تنها رابطه‌ای که براساس اجاره یا امانت(عاریه) یا رهن با وکالت به وجود بیاید و در آن تعدی صورت گیرد، این تعدی تحت عنوان خیانت در امانت است و اگر جز این عقود باشد، شاید بتوان تحت عنوان دیگری که البته فاقد جنبه جزایی و تنها دارای جنبه حقوقی است، از تلف‌کننده مال که البته در اینجا امین نیست، خسارت را طلب کرد.

۲. خیانت در امانت زمانی شکل می‌گیرد که بازپس‌گیری اموال و یا به استفاده معین رساندن در آن شرط شده باشد، درحالی‌که در جهیزیه نه بازپس‌گیری اموال و نه به مصرف معین رساندن آن شرط شده است.

۳. عنصر اصلی در جرم خیانت در امانت، سپرده‌شدن مال از جانب مالک به امین است، ولی در جهیزیه زن مال را به شوهر نمی‌سپارد، بلکه آن را فقط به منزل شوهر می‌آورد. بنا بر آنچه گفته شد، ید شوهر، ید امانی محض است، بدون اینکه شرایط خیانت در امانت

۱. ماده ۶۷۴ قانون م. ا: «هر گاه اموال منقول یا غیر منقول یا نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی‌اجرت، به کسی داده شده و بنا بر این بوده است که اشیاء مذکور، مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

را داشته باشد؛ بنابراین شوهر را نمی‌توان امین فرض کرد تا تلف یا نقصان را جرم خیانت در امانت دانست.

۳. نظر برگزیده

پس از بررسی‌های دقیق انجام‌شده، نهاد جهیزیه را می‌توان به یکی از سه صورت زیر تفسیر کرد که در هرکدام از اینها شرط سپرده‌شدن و به مصرف معین رساندن وجود دارد؛ بنابراین وقتی این دو عنصر در کنار هم وجود دارند، شوهر را می‌توان دارای عنوان حقوقی امین دانست که در صورت تعدی و تفریط، عمل وی مشمول جرم خیانت در امانت می‌شود.

در نهایت جهیزیه یا عاریه است یا اباحه تصرف مشروط یا عقدی جدید به نام جهیزیه که در هر سه مورد، از آنجایی که عنصر سپردن وجود دارد، شوهر امین است و چند حالت زیر متصور می‌شود:

۱. اموال بدون سوءنیت و بدون تعدی و تفریط شوهر از بین رفته است؛ مانند از بین رفتن اموال بر اثر آتش‌سوزی. در اینجا شوهر نه عنوان خائن را دارد و نه مسئولیت مدنی و نه مسئولیت کیفری.

۲. اموال بر اثر سهل‌انگاری امین ولی بدون سوءنیت وی از بین رفته است، مانند جایی که وی درب را از روی فراموشی باز گذاشته است و سارق اعیان جهیزیه را ربوده است. در اینجا شوهر ملزم به جبران خسارت‌هایی است که بر اثر سرقت به زن وارد شده است، ولی نه خائن است و نه مسئولیت کیفری متوجه او است.

۳. اموال بر اثر افراط و تفریط شوهر و با سوءنیت شوهر از بین رفته است؛ مانند جایی که وی برای خسارت وارد کردن به زن اعیان جهیزیه را شکسته است. در این حالت شوهر به عنوان خائن در امانت شناخته می‌شود و علاوه بر جبران خسارت باید مجازاتی را که بر اساس نظر قاضی و طبق ماده ۶۷۴ ق.م.ا. تعیین شده است، تحمل کند.

یافته‌های پژوهش

جهیزیه وسایل موردنیاز زندگی است که بعضاً زوجه یا خانواده او تهیه می‌کنند، اما درمورد نهاد جهیزیه ابهاماتی وجود دارد که سبب ایجاد اختلاف در آرای قضایی شده است. باید توجه داشت ماهیت حقوقی جهیزیه، نه تنها در شرع بلکه در حقوق و قانون نیز ابهام‌برانگیز است. تلاش در این مقاله این بوده است که با بررسی عقود مشابه ماهیت نهاد جهیزیه شناسایی شود؛ از این رو، پس از پژوهش‌های انجام‌شده بر روی عقود شرکت، هبه، ودیعه و حق انتفاع، این نتیجه به دست آمد که این چهار عنوان حقوقی به دلیل تفاوت‌های اساسی که با جهیزیه دارند، دارای ماهیتی کاملاً جداگانه از جهیزیه هستند؛ بنابراین، این فرضیه که جهیزیه هریک از این عقود باشد، رد می‌شود؛ اما دستاوردهای به‌دست‌آمده عبارت‌اند از:

۱. زن مسئولیتی درقبال تهیه وسایل زندگی ندارد و تهیه آن از باب نفقه بر عهده مرد است. هرچند پسندیده است که زن از باب تعاون وسایلی را در ابتدای زندگی تهیه کند.
۲. به نظر می‌رسد بتوان جهیزیه را اباحه تصرف مشروط در نظر گرفت. به این معنا که زن با اذن خود برای مرد مباح می‌کند که در اموالش تصرف کند و از آنها بهره‌مند شود، اما نه به‌صورت مطلق و مشروط به اینکه زن اموال خود را به مرد بسپارد و مرد فقط در حد متعارف از این اموال بهره‌مند شود و در انتفاعات خود، جانب احتیاط را برای حفظ سلامت اموال رعایت کند و مرد تا پایان زندگی مشترک بدون دلیل موجه، زن را ملزم به خارج کردن وسایل خود از خانه نکند یا خودش اقدام به خارج کردن این وسایل از منزل نکند.
۳. برای ماهیت جهیزیه، علاوه بر عاریه و اباحه تصرف مشروط، فرض دیگری تحت عنوان «عقد معین جهیزیه» مطرح شد که بر مبنای قاعده شروط استوار است. جهیزیه را می‌توان عقد جدیدی بین زوجین فرض کرد، رابطه‌ای حقوقی که بر اساس قرارداد بین زوجین به وجود می‌آید. این عقد جدید طبق ماده ۱۰ قانون مدنی و قاعده شروط دارای آثار و احکامی است که این آثار و احکام براساس شرایط عرفی، بنایی و مصرح ایجاد شده است و برای طرفین لازم‌الاتباع است.

۴. به‌طور کلی جهیزیه منطبق بر هریک از فروض فوق(عاریه، اباحه تصرف مشروط و عقد جدید مفروض در این مقاله) باشد، تعدی و تفریط شوهر درقبال جهیزیه، به علت تحقق عناصر جرم خیانت در امانت، مشمول مجازات است.

منابع

قرآن الکریم.

- ابن قدامه، موفق الدین عبدالله(۱۴۱۷هـ). *المغنی لابن قدامه*. دارعالم الکتب ریاض. القاہرہ.
- ابن منذر(۱۴۲۵هـ). *الإشراف علی مذاهب العلماء*. امارات: مکتبه مکه الثقافیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم(۱۴۱۴هـ). *لسان العرب*. بیروت: دار الفکر.
- اسماعیلی، محسن؛ توکلی کیا، امید(۱۳۹۰). شرط ارتکازی در فقه امامیه و حقوق ایران، *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، سال دوازدهم، ۲(۳۴)، ص ۱۵۱-۱۹۰.
- امامی، اسدالله(۱۳۸۸). *حقوق خانواده*. تهران: خرسندی.
- انصاری، مرتضی بن محمد(۱۴۱۵هـ). *المکاسب المحرمه والبیع والخیالات*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- انصاری، مسعود؛ طاهری، محمدعلی(۱۳۸۴). *دانشنامه حقوق خصوصی*. تهران: محراب.
- توحیدی، محمد علی(۱۳۴۰). *مصباح الفقاهه(تقریرات درس آیت الله خویی)*. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
- توکی کرمانی، سعید(۱۳۷۶). *جهیزیه*. *مجله دادرسی*، شماره ۵ و ۶، ص ۴۳-۴۴.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱۳۹۲). *وسیط در ترمینولوژی حقوق*. تهران: انتشارات گنج دانش.
- حاتمی زاده، اعظم(۱۳۹۱). *بررسی فقهی و حقوقی اباحه معوضه*. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه قم.
- حائری شاه باغ، سیدعلی(۱۳۷۶). *شرح قانون مدنی*. تهران: کتاب خانه گنج دانش.
- حسینی فیروز آبادی، مرتضی(۱۳۷۴). *فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت* (محمد باقر ساعدی خراسانی، مترجم). قم: فیروز آبادی.

- حلی، حسن بن یوسف (بی تا). *تحریر الاحکام*. بی جا: مؤسسه آل البیت.
روحانی، محمد صادق (بی تا). *فقه الصادق*. قم: اجتهاد.
سیبیرت، ایلسه (۱۳۸۰). *زن در شرق باستان* (رقیه بهزادی، مترجم). تهران: پژوهنده.
شفق، غلامرضا (۱۳۸۹). *مهریه و جهیزیه در اسلام و ایران*. تهران: دفتر عقل.
صابریان، علیرضا (۱۳۹۰). *ماهیت شرط بنایی از نظر فقه امامیه و حقوق مدنی*. *مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های فقهی*، دوره ۷، شماره ۲، ص ۹۳-۱۱۲.
صفایی، حسین (۱۳۸۴). *حقوق مدنی*. تهران: نشر میزان.
طالبی، محمد (۱۳۹۷). *اجرت‌المثل و نطه «حقوق مالی زوجه»*. تهران: حقوق امروز.
طباطبایی، محمد بن علی (بی تا). *المناهل*. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحياء التراث.
طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷هـ). *المبسوط فی فقه الإمامیه*. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
عاملی جبعی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰هـ). *الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية* (کلانتری، المحسّی). قم: کتابفروشی داوری.
عاملی جبعی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳هـ). *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸). *فقه و عرف*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
عمید، حسن (۱۳۷۵). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: امیرکبیر.
قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. *معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات*.
قانون مدنی ۱۳۹۵. تهران: انتشارات دیدار.
کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). *دوره مقدماتی حقوق مدنی (عقود معین)*. تهران: کتاب خانه گنج دانش.
مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۰هـ). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه طبع والنشر.
محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۸). *نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۰). *جرائم علیه اموال و مالکیت*. تهران: میزان.
موسوی مقدم، محمد (۱۳۹۲). *استرداد جهیزیه*، تهران: حقوق امروز.
نائینی، محمد حسین (۱۴۲۹هـ). *فوائد الاصول*. قم: مؤسسه النشر اسلامی.
نجفی، محمد حسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار إحياء التراث العربی، جلد ۲۶، چاپ هفتم.
هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۷). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام*. قم: انتشارات مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).

وب سایت مراجع عظام

استفتاء از آیت الله خامنه‌ای، در لینک:

<https://farsi.khamenei.ir/treatise-index>

استفتاء از آیت الله علوی گرگانی، در لینک:

<http://site.agorgani.ir>

استفتاء از آیت الله مکارم، در لینک:

<https://online.makarem.ir>

استفتاء از آیت الله نوری همدانی، در لینک:

<https://noorihamedani.ir>